مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۲، ص۴۳-۳۲
http://www.jhss.ir

اهمیت و ضرورت بیمه های بین رشته ای مبتنی بر رویکرد علوم میان رشته ای

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص۴۳-۳۲

ابراهیم کاردگر[۱]، مهدی احراری[۲]، مرجان حبیبی[۳]

[۱].دکترای اقتصاد،مدیرعامل بیمه دانا

[۲].دکترای اقتصاد نفت و گاز گرایش بازارها و مالیه،مدیر آموزش،پژوهش و توسعه بیمه دانا

[۳]دانشجوی دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور . کارشناس مطالعات میان رشته ای بیمه دانا.

نویسنده مسئول:
مرجان حبیبی

چکیده:

در سالهای اخیر توجه زیادی به مطالعات بین‌رشته‌ای شده است. واقعیت این است که پیشرفت در هر رشته، علاوه بر تحقیقات دانشمندان ، به میزان بسیاری به دیدگاه دیگر دانشمندان، به خصوص رشته های نزدیک به هم، نیازمند است. اندیشمندان میان رشته ای، واقعیت ها و نیازهای دنیای جدید را در فراسوی رشته هایی نکوهش می کنند که ساختاری یک سویه ، جزئی نگر، محدود و تخصصی دارند و آشنایی با رویکردهای میان رشته ای و آگاهی از چرایی این مقوله را برای برنامه ریزان ضروری می دانند و تخصص های میان رشته ای را برای دانشکده ها و مؤسساتی که در پی دستیابی به مرزهای جدید و خلق بایسته های خاص در عرصهٔ علوم، به ویژه علوم انسانی هستند، ضروری می دانند. این مقاله در سه بخش تنظیم شده است: در بخش اول، مقدمه، اهمیت و ضرورت و تاریخچه ای از رویکرد میان رشته ای بیان شده است. در بخش دوم، میان رشته ای و انواع آن بحث شده است. در بخش سوم، اشاره ای به بحث بیمه با تمرکز بر بیمه های میان رشته ای توجه شده است. در پایان بحث، نتیجه گیری ارائه شده است .روش مطالعاتی در این مقاله مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه ای است. بیمه ها اگر بتوانند به تلفیق رویکرد جدید و بنیادینی در زمینه بسط و گسترش بیمه های میان رشته ای در حوزه‌های جدیدی نظیر اقتصاد بهداشت، اقتصاد محیط زیست و اقتصاد گردشگری دست پیدا کنند، می توانند گامی جدی در اعتلای صنعت بیمه و مهم تر از آن مزیت رقابتی در بلندمدت ایجاد کنند. بیمه های میان رشته ای به عنوان یکی از ضرورت های اساسی متناسب با بسترهای اجتماعی جامعه می توان تعریف کرد. بیمه‌ها می توانند با تلفیق ریسک‌های بیمه‌ای با یکدیگر، بیمه‌های بین رشته‌ای تولید کنند و باعث توسعه این صنعت شوند که نیاز مبرم صنعت در عرصه های مختلف اجتماعی،اقتصادی و فرهنگی است.

واژگان کلیدی : بیمه، علوم میان رشته ای، بیمه میان رشته ای، اقسام بین رشته ای.

۱.مقدمه:

در سال های اخیر به مطالعات بین رشته ای توجه بسیاری شده است. دلایل مختلفی موجب این توجه ویژه شده است. به عنوان مثال، در قرن بیستم، به ویژه در اواخر قرن بیستم، علم بشر به سرعت پیشرفت کرده و ظهور گرایش های تخصصی بسیاری را موجب شده است .از این رو، پژوهشگران با زمینه‌های تخصصی بسیاری مواجه شده اند. در نتیجه، پژوهشگران فقط می توانند در زمین ه‌ای تخصصی و خاص به مطالعات خود بپردازند. این تخصص گرایی، فقدان دیدگاه جامع را در پژوهشگران موجب شده است .گرچه با توجه تخصصی به زمینه‌های مطالعاتی، موجبات پیشرفت سریع در حوزه‌های مختلف فراهم آمده است، ولی فقدان ارتباط منطقی بین این زمینه‌های تخصصی، به مشکلی اساسی در بعضی جنبه‌های علم تبدیل شده است [۱]

رشد و توسعه علوم و توجه به جزئیات باعث شده است، به رغم تفکیک و تقسیم بندی آنها در گرایش های مختلف، آنها به شدت با یکدیگر تلاقی داشته باشند. با توجه به این که علم در تولید، تجربه و گسترش از منبع و وسیله ای به نام عقل انسانی برخوردار است، بنابراین به طور طبیعی همه علوم به رغم گستردگی، دارای تشابهات و فصل های مشترک قابل تأملی هستند. زیرا همه علوم بر اساس نیاز و احتیاج مادی و معنوی انسان تعریف و تبیین می شوند و طبیعی است هر اندازه که حوزه مطالعات علم وسیع تر و پیچیده تر باشد، به همان نسبت آن علم از ویژگی ها و جایگاه خاصی برخوردار خواهد شد. توجه به دغدغه های تجربی نظیر مسائل اجتماعی، بهداشتی، امنیتی، رفاهی، نقش اساسی در فعال شدن فکر بشر در کالبدشکافی پدیده های پیرامونی او دارد. به این معنا که ضرورت تأمین مسائل اساسی زندگی، تأثیر بنیادین در رویکرد انسان به کنکاش های تجربی و مادی دارد. ترکیب یا تفکیک شاخه ها و گرایش های مختلف از یکدیگر دلالت بر این نکته دارد که هرگز شاخه های مختلف علم بشری به طور مطلق بی نیاز از هم نبوده، بلکه مکمل یکدیگر هستند. در این میان علوم انسانی معطوف به مطالعه اوصاف و ویژگی های انسانی و برخوردار از زیرشاخه های متنوع فلسفی، حقوقی، عقیدتی، هنری، زیبایی شناختی، سیاسی و... است که نمی توان آنها را به طور کامل از هم جدا کرد، بلکه تخصص گرایی، دقت و عمیق شدن در یک بعد باعث تجزیه و جدایی آنها از یکدیگر شده است. هرچند که اصلاح دینی به شدت بر دامنه توسعه و ارزش گذاری تجربه در عصر مدرن افزود و متعاقب آن به تدریج دانش تجربی بر تمام ابعاد روحی، هنری، رفتاری و فرهنگی انسان سایه انداخت، اما باید عنایت داشت که چنین تفکیک و تبیینی رویکردی یک جانبه و ناقص بوده است. بنابراین ضرورت مطالعه بین رشته ای و تلاش برای بهره مندی از توانایی یکدیگر امری معقول، منطقی و دارای نتیجه مضاعف است [۲]

در دهه های اخیر، قلمرو پژوهش در مطالعات بین رشته ای گسترشی چشم گیر داشته است؛ به گونه ای که امروزه در تمام دانشگاه های دنیا، اولویت تحقیقات بر پایهٔ پژوهش های بین رشته ای است. سرعت پیشرفت علم در قرن بیستم و به تبع آن، ظهور گرایش های تخصصی، مواجه شدن پژوهشگران با زمینه های تخصصی متنوع و فراوان، فقدان دیدگاه مشترک بین پژوهشگران، به علت تخصص گرایی ، این مسئله را مشخص کرد که هرچند نگاه تخصصی به زمینه های مطالعاتی، موجبات پیشرفت سریع در حوزه های مختلف را فراهم آورده است، ولی نبود ارتباط منطقی بین این زمینه ها، در بعضی از حوزه های علم، به یک معضل تبدیل شده است و تحقیقات علمی با چالش های زیادی دست به گریبان شده اند که ذهن محققان را به خود مشغول کرده است. یکی از راهکارهایی که در یک دهه اخیر برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی کشور و نیز توسعه علوم انسانی در سیاست های علمی کشور مورد توجه قرار گرفته است، توسعه میان رشته ای ها است. به این ترتیب، میان رشته ای، داعیه جامع نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آنها نیستند[۳]

البته، این چالش های تحقیقاتی در حوزهٔ علوم انسانی بیشتر به چشم می خورد و ضرورت بیشتر بازنگری در بین رشته ای را مضاعف می کند، چراکه وابستگی علوم در میان علوم انسانی بیشتر از دیگر حوزه های دانش است. علاوه براین، اهمیت ، لزوم تشکیل و تکوین میان رشته ای ها در بیشتر زمینه های علوم انسانی بیش از پیش نمایان شده است و ورود آن به حوزه های علمی امری اجتناب ناپذیر شده است. الزاماتی مانند وام گیری رشته ای از رشتهٔ دیگر یا لزوم فعالیت های تجربی و آزمایشگاهی، تجزیه و تحلیل داده ها برای نتیجه گیری در علوم انسانی، از جمله مواردی است که لزوم اجماع و وام گیری علوم را در تمامی زمینه ها نمایان میکند. در این راستا، گروستی[1] (۱۹۸۶) پا را فراتر می گذارد و بر این عقیده هست که تکوین رشته های جدید، حاصل فعالیت های میان رشته ای بوده است که در راستای پاسخ گویی به نیازهای جامعه و افراد شکل گرفته اند، چراکه هم اکنون، نقش علوم تغییر کرده است و نیاز به رویکرد بین رشته ای بیش از پیش مشخص و نمایان می شود. کلاین[2](۲۰۰۰) بر این عقیده هست قرن بیستم را به نوعی قرن تکوین میان رشته ای باید دانست؛ چون در این قرن رفته رفته، بر تعداد میان

[1] Grosti
[2] Klein Jullie Tampson

رشته ای ها افزوده شد. او بر این عقیده است که در این سده، معرفت و دانش بشری از حالت ساخت مند منطقی، به حالت پویا، مانند شبکه ای در حال تعامل، تبدیل شده است. این حرکت به بازاندیشی در بعضی از دانش های اخیر ساختگی در چند وقت اخیر کمک کرد [۴]

یکی از راهکارهایی که در یک دهه اخیر برای شتاب بخشیدن به روند توسعه علمی کشور و نیز توسعه علوم انسانی در سیاست های علمی کشور مورد توجه قرار گرفته است، توسعه میان رشته ای ها است. به عنوان مثال، در نقشه جامع علمی کشور که به تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده، «متحول سازی و ارتقای کمی و کیفی علوم انسانی» به عنوان یکی از راهبردهای کلان توسعه علم و فناوری در کشور مورد توجه قرار گرفته و در ذیل این راهبرد کلان «گسترش گرایش های میان رشته ای در درون علوم انسانی و بین رشته های علوم انسانی با سایر علوم» به عنوان یکی از راهبردهای ملی و «ایجاد گرایش های میان رشته ای بین شاخه های مختلف علوم اسلامی، علوم انسانی و سایر علوم» به عنوان یکی از اقدامات ملی برای تحقق این راهبرد کلان موردتوجه قرار گرفته است([۵] . توسعه میان رشته ای ها، باعث تعامل میان دو یا چند رشتهٔ مختلف و زمینه سازی برای رشد، توسعه علوم و افزایش توانمندی علم برای حل مشکلات پیچیده و چندوجهی می شود. این تعامل می تواند از تبادل ساده نظرات تا همگرایی متقابل مفاهیم، روش شناسی، رویه ها، معرفت شناسی، اصطلاح شناسی، داده ها و سازمان دهی تحقیق و آموزش در عرصه ای گسترده را دربر گیرد .فعالیت میان رشته ای این امکان را برای دانش پژوهان رشته های علمی مختلف فراهم می آورد که شناخت بهتری از فعالیت های علمی یکدیگر به دست آورند. آنها هرکدام از موضع و فرضیات خاص خود که از مشروعیت لازم در چارچوب آن رشته برخوردار است، با موضوع برخورد می کنند . بحث و تبادل نظر میان آنها و به چالش کشیدن فرضیات هرکدام، قابلیت این مطالعات را به سوی درکی جدید از موضوع هدایت می کند .به این ترتیب، میان رشته ای، داعیه جامع نگری و حل مسائلی را دارد که شاخه های مختلف علمی به تنهایی قادر به حل آنها نیستند[۶]

تحلیل گران علوم انسانی با سه مسئلهٔ جدی، یعنی: ۱.پویایی ،تغییر و تحول اجزای مستمر علوم اجتماعی؛ ۲. تنوع و گوناگونی ابعاد؛ ۳.اختیار، درورویایی با علوم مواجه هستند. آینده نگری و پیش بینی به مراتب سخت تر از سایر علوم است. علاوه براین، داشتن اطلاعاتی از علوم متعدد مانند روان شناسی، فلسفه، جامعه شناسی و... در علوم انسانی ضروری است .در این صورت است که می توان به برداشتی کلی در علوم انسانی رسید و این کلی نگری است که می تواند راهگشای حل مشکلات و تحقیقات علوم انسانی باشد [۷]. بدیهی است که امروزه، تداخل محتوا، روش های پژوهش، اصول و نظریه ها نیز لزوم نوعی رابطهٔ میان رشته ای را در رشته های مختلف علمی نمایان می کند که نیازمند تحقیقات رشته های مشابه هستند.بنابراین، علم نه از لحاظ موضوع، بلکه از لحاظ جغرافیایی هم محدود به مرز یا حیطهٔ خاصی نیست و با اینکه ممکن است هر علمی را به شاخه ای ملحق نمود، ولی طبقه بندی در این زمینه قاطع نیست[۸]. با توجه به مطالب مطرح شده می توان این سوال را مطرح کرد که اهمیت و ضرورت مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی چیست؟ ضرورت ایجاد بیمه های بین رشته ای در صنعت بیمه چیست؟

۲.مبانی نظری و مفهومی:

تعاریف و اهداف مطالعات میان رشته ای

مطالعه میان رشته ای را «فرایند پاسخ گویی به یک پرسش، حل مسئله یا بررسی موضوعی آنچنان گسترده و پیچیده که نمی تواند به وسیلهٔ یک رشته یا یک حرفه حل شود» تعریف کرده اند[۹]رونالد[3]، محور عمده میان رشته ای را «تأکید بر اهمیت گرد هم آوردن دانش و مهارت های گوناگون برای حل یک مشکل» می داند. وی پژوهش میان رشته ای را زمینه ساز مناظره ای می داند که «با به چالش کشیدن هویت ها و ایده های پذیرفته شده پیشین، درکی جدید و انتقادی» به دست می دهد. مطالعات میان رشته ای صرفا به معنای احاطه بر چند رشته یا انجام مشترک کار توسط افرادی صرفا با تخصص های مختلف نیست؛ بلکه در آن از آموزه های رشته های مختلف برای بسط مدل های مفهومی، توضیح و مفهومی کردن نتایج، به کارگیری روش های یکدیگر و ایده گرفتن از دانش این ویژگی را زمینه رشته های مختلف استفاده می شود .این ویژگی را ربکا در چارچوب «نظریه گفتگویی پیوندهای میان رشته ای» بیان کرده است. وی میان رشته ای را پیوندی می داند که توسط افرادی شکل می گیرد که تشابهات و تفاوت های موجود در محتواها، گزاره ها،ژانرها و راه های مختلف دانستن را تشخیص می دهند. منظور از محتوا، عناوین موضوعی است که در یک رشته بررسی می شود. گزاره ها، ژانرها و راه های مختلف است که در یک رشته بررسی می شوند. گزاره ها، دلایلی هستند

[3] Ronald

کـه دانش پژوهـان رشـته های مختلـف در جریـان مباحثـه بـا یکدیگـر مطـرح می کنند. ژانرهـا، الگوهای تعاملی هسـتند که به تدریج شـکل گرفته و به دانش پژوهان رشـته های مختلف در پیش بینی و درک سـاختارهای تعاملی کمک می کننـد. راه هـای دانسـتن، فعالیت هـای عقلانـی هسـتند کـه دانش پژوهـان رشـته های مختلـف برای تنظیـم و دفـاع از گزاره هایشـان از آن اسـتفاده می کننـد. ایـن منابـع چهارگانـه پیونـد میان رشـته ها، توانایی تشـخیص و دسـته بندی مناسـب نقاط هم پوشـانی، اشـتراک ها و افتراق ها را توسـعه می دهند.ازایـن رو اسـت کـه میان رشـته ای بـا پـرورش تفکـر انتقـادی، نـوآوری و خلاقیـت بـه حـل مسـئله کمـک می کنـد[۱۰]

مطالعـات میان رشـته ای در پـی پیچیـده شـدن فزاینـده مسـائل اجتماعـی مـورد توجـه قـرار گرفته انـد. بنابرایـن، ایجـاد رشـته های جدیـد به خودی خـود معنایـی نـدارد، بلکـه بـا هـدف حـل مسـائل پیچیـده و چندبعـدی صـورت می گیـرد[۱۱]. اینـک نیـاز بـه افـرادی است که توانایـی تفکـر انتقـادی و تحلیلـی، مهـارت در نـگارش و بیـان، قـدرت قضـاوت آگاهانـه ، دقیـق و انجـام کار گروهـی، توانایی هـای معطـوف بـه اجـرای مؤثـر و طبـق برنامه پروژه هـا، تفاوت فکر کـردن، بـه کار گرفتـن خلاقیـت و شـهامت در محیـط کار، برخـورداری از آ گاهـی و دانـش لازم نسـبت بـه فناوری هـای جدیـد، داشـتن تجربـۀ کاربـردی و درک نظـری از فناوری هـای دگرگون کننـده کار [۱۲]مطالعـات میان رشـته ای، پـرورش ایـن ویژگی هـا را هـدف قرار گرفته انـد. آنهـا موجـب یادگیـری رشـته ها از یکدیگـر، افزایـش قابلیـت تحلیلـی، تفکـر متدولوژیـک، نقـد مفروضـات و نگرشـی عمیق تـر بـه مشـکلات و مسـائل جهـان پیرامـون می شـود[۱۳]. این کارکردها مـورد اجمـاع پژوهشـگران اسـت. به عنـوان نمونـه، پژوهشـی کـه در سـال ۲۰۱۲ انجام شـده اسـت نشـان می دهـد: ۱. مطالعـات میان رشـته ای بـه افزایـش درک، حفـظ و کاربـرد مفاهیـم عمومـی کمـک می کنـد؛ ۲. همـراه بـا توسـعه چشـم اندازها، دیدگاه هـا و ارزش هـای چندگانـه، درک کلـی بهتـری از وابسـتگی های متقابـل جهانـی به دسـت می دهـد؛ ۳. توانایـی تصمیم گیـری، تفکـر انتقـادی و خلاقیـت را افزایـش می دهد و دانش ورای رشته ها را با هم ترکیب می کند۴. توانایـی شـناخت، ارزیابـی و انتقـال اطلاعـات مهـم موردنیـاز بـرای حـل مسـائل جدیـد را تقویـت می کند. ۵.یادگیـری مبتنی بـر همـکاری و تلقـی بهتـر از خـود به عنوان عضوی با ارزش از اجتماع را ترویج می دهد.۶.انگیزه ها را تقویت می کند[۱۴]. بنابرایـن، مطالعـات میان رشـته ای اینـک به عنـوان ابـزاری بـرای بهتـر اندیشـیدن و بهتـر تصمیـم گرفتـن بـرای حـل مشـکلات چـه در مقیـاس فـردی و چـه در مقیـاس اجتماعـی مـورد پذیـرش قـرار گرفته انـد و بـا توجـه بـه اهـداف مـورد نظـر در توسـعه ایـن مطالعـات انتظـار مـی رود بـرای رشـد، توسـعه ، بالندگـی علـو م انسـانی و اجتماعـی و کمـک بـه حـل مشـکلات مبتلا بـه جامعـه بیـش از پیـش مـورد توجـه سیاسـتگذاران علمـی، دولتمـردان و نیـز اصحـاب ایـن علـوم قـرار گیرنـد [۱۵].

علوم میان رشته ای یا بین رشته ای[4] حوزه جدیدی در علم است که بیش از یک زمینه را مورد مطالعه قرار می دهد. در این حوزه روش و اصول چند رشته را با یکدیگر تلفیق می کنند. حوزه بین رشته ای معمولا با یکدیگر در ارتباط با شناخت و تحلیل یک پدیده همکاری می کنند. میان رشته ناظر بر آن حوزه از مطالعه دانش است که ارتباط تکمیلی متقابل با شاخه های دیگر دارد؛ به عبارت دیگر میان رشته ای نقطه مقابل رهیافت حصرگرایی بوده و به قصد درمان و پیشگیری از آفات این رویکرد ایجاد شده است. میان رشته ای، برنامه پژوهش مبتنی بر کثرت گرایی یا روش شناسی است که فرد محقق و پژوهشگر از سطح واحد و محدود به یک حوزه از دانش فراتر رفته و نسبت به دانش های مختلف ناظر بر مسئله ای واحد توجه نشان می دهد. میان رشته ای نوعی مباحثه در خلال رشته های مختلف (معمولا اجتماعی) است[۱۶]. رپکو می گوید: میان رشته ای را فرایند پاسخ گویی به سؤال، حل یک مسئله یا توجه به یک موضوع است که به سبب وسعت و پیچیدگی نمی توان توسط یک رشته علمی خاص به آن پرداخت. بنابراین نگرش های مختلف چند رشته و روش آنها ائتلاف کرده و به فراهم آوردن شناخت و درکی عمیق تر و دقیق تر از موضوع کمک می کنند . در تعریفی دیگر، میان رشته ای عبارت است از تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا معضل اجتماعی چندوجهی. در واقع مطالعات میان رشته ای موضوعی غیررشته ای است که در قلمرو علم و رشته خاصی نمی گنجد و در مرز محدودی متوقف نمی شود، بلکه مانند مسائل عام فلسفه علم و معرفت شناسی با اکثر رشته های تخصصی به ویژه در علوم انسانی سر و کار دارد[۱۷].

۳.روش:

در مقاله پیش رو از مطالعات اسنادی و کتابخانه ای برای مرور منابع ،جمع بندی ،تجزیه و تحلیل استفاده شده است تا بتوان از این رویکرد،بینش جامع نگرانه ای نسبت به بحث ها مطر ح کرد.

[4] interdisciplinary

۴.رویکرد میان رشته ای :

رویکرد میان رشته ای به معنای گروه بندی موضوعات نزدیک به یکدیگر یا تلفیق کامل آن هاست و متضمن نادیده گرفتن نظام های رشته ای نیست. میان رشته ای در واقع، شامل سازماندهی آموزش است که فرصت هایی را برای فراگیران فراهم می سازد تا با اصول کلی علوم، قلمرو و تنوعات ، نظریهٔ کلی سیستم ها، نظریهٔ مجموعه ها، اصول زبان شناسی، منطق آشنا شوند. مثلا معرفت شناسی، همگی زمینه های میان رشته ای هستند که می توانند مفاهیم و اصولی بیافرینند که در مجموعه های گوناگون قلمروهای علمی به کار گرفته شود. متأسفانه اصطلاح میان رشته ای اغلب به عنوان مقابل درون رشته ای به کار می رود، ولی شایسته است که از آن به عنوان رویکرد «غیرمقید به نظام رشته ای» یاد کنیم. روی آوردن به میان رشته ای، کنارزدن رشته های خاص نیست، در واقع، وقتی از این رویکرد سخن به میان می آید، منظور آن نیست که در رشته ها تردید کنیم. لزوما تکوین میان رشته ای به معنی کنار گذاشتن رشته ها نیست. امتیاز اصلی رویکرد میان رشته ای کمک به انتقال مفاهیم است، طوری که امکان تحلیل مسائل مطرح شده را فراهم کند. در واقع، این رویکرد، دید وسیع به یادگیرنده می دهد و از نگریستن در حوزه های محدود جلوگیری می کند و از گرایش به جزم اندیشی می کاهد [۱۸].

اقسام بین رشته‌ای

طیف وسیعی از رشته‌های بین رشته‌ای وجود دارد که ماهیت های کاملا متفاوت دارند .از این رو، دسته بندی انواع بین رشته‌ای‌ها ضروری است .البته به علت نبود شناخت صحیح از مقولهٔ بین رشته‌ای، واژه شناسی این رشته ها در نمونه های بسیاری به اشتباه به کار برده شده است و برای بسیاری از اساتید، بین رشته‌ای صرفاً تلفیقی از رشته‌های مختلف است .در هر صورت امروزه، این دسته بندی را در مراجع تخصصی بین رشته‌ای تمامی متخصصان این زمینه تأیید کرده اند. این تقسیم بندی امکان مقایسه، شناسایی امکانات و الزامات رشته‌های جدید را در کنار نمونه های مشابه فراهم می کند. قبل از معرفی این دسته‌ها تأکید می‌شود که واژهٔ بین رشته ای هم عنوان یکی از این دسته‌هاست و هم به عنوان قلب مفهوم به همهٔ دسته ها نیز ا طلاق می شود. به بیان دیگر، گونه‌های مشابه در کنار بین رشته‌ای قرار گرفته است و به علت شباهت های آنها، کل این مجموعه نیز بین رشته‌ای خوانده می شود[۱۹].

۱.چندرشته‌ای [5]

چند رشته‌ای متداول‌ترین نوع بین رشته‌ای است؛ نوعی که اغلب به اشتباه، به جای بین رشته‌ای استفاده می شود. در هر دورهٔ چندرشته‌ای، چندین رشته با یکدیگر ادغام می‌شود، ولی همچنان از یک رشتهٔ اصلی از بین چند رشتهٔ مختلف برای حل هر مسئلهٔ محوری استفاده می‌شود، ولی تلاشی برای تلفیق رشته‌ها صرف نمی‌شود. به بیان دیگر، اصلی وجود دارد که کلیات دوره بر پایهٔ آن بنا نهاده شده است. چندرشته‌ای را می توان گونهٔ پیشرفتهٔ گرایش های موجود شمرد، ولی از ساختار گرایش ها بسیار پیچیده تر است، زیرا از چند رشته استفاده می شود. مطالعات چندرشته‌ای بسیار محل توجه است، زیرا به سادگی، با استفاده از کمک متخصصان رشته‌های دیگر می‌توان آن را به وجود آورد،ولی به عنوان دورهٔ آموزشی نمی‌تواند ماهیت بین رشته‌ای داشته باشد[۲۰].

۲.پیوند رشته‌ای [6]

این نوع بین رشته‌ای زمانی شکل می‌گیرد که دو یا چند رشتهٔ در موضوعی مرزهای مشترکی پیدا کنند . عموما این گونه زمینه‌ها به استفادهٔ ابزاری از رشته ای در رشتهٔ دیگر محدود می شود. این گونه موارد از گرایش های رشته‌ها کلی‌تر است، ولی همانند چندرشته‌ای، هدف آنها خدمات دادن به رشته ای خاص و محوری است. به بیان دیگر، در پیوند رشته‌ای، یک رشته از منظر رشتهٔ دیگر بررسی می شود[۲۱].

۳. میان رشته‌ای [7]

میان رشته‌ای به زمینه‌ای گفته می‌شود که بر پایهٔ موضوعی جدید یا رویکرد جدید به جنبه‌ای از رشته ای قدیمی تر مربوط باشد و در عین حال، نیازمند دیدگاه‌های دیگر رشته ها نیز باشد. در اینجا، محوریت و هدف مشخص است و مشارکت دیگر رشته‌ها صرفاً، در حد نیاز است. میان رشته‌ای‌ها در برخی مواقع در قالب دوره‌های آموزشی بین رشته‌ای قرار می‌گیرد[۲۲].

---

[5] Multidisciplinary
[6] Crossdisciplinary
[7] Transdisciplinary

۴. بین رشته‌ای[8]

بین رشته‌ای، همان طور که از نامش پیداست، قلب این نوع تلفیق رشته‌های مختلف برای شکل گیری دوره های آموزشی جدید است .بر خلاف دیگر انواع ذکر شده، بین رشته‌ای بر پایهٔ رشته ای منحصر به فرد نیست، بلکه فصل مشترک چند رشتهٔ مختلف است .در حقیقت، موضوع واحدی است که می تواند بین چندین رشته مختلف قرار گیرد و از زوایای متفاوت بررسی شود .همان طور که قبلا توضیح داده شد، در این راستا، نوع نگاه علوم مختلف در بین رشته‌ای اهمیت دارد و نه اطلاعات آن علم. البته با توجه به اهمیت بین رشته‌ای، این نوع خود به دسته های کوچک تری نیز تقسیم شده است که در مطالعات تخصصی بین رشته‌ای، نویسندگان از آن استفاده می کنند. شایان ذکر است که هر گاه بین رشته‌ای بر مسئله ای خاص متمرکز شود، آنگاه می توان آن را میان رشته‌ای در نظر گرفت[۲۳].

۵. ضرورت مطالعات میان رشته ای:

۱.خطاپذیر بودن دانش :

بشر نمی تواند به تمامی زوایای علم و دانش احاطه پیدا کند. از طرف دیگر تنوع و گستردگی شاخه های مختلف علمی اقتضا می کند که اندیشمندان برای به حداقل رساندن خطاها در روش استنباطی، استدلالی و تجربی، از حداکثر اشتراکات علمی استفاده کنند. به عبارت دیگر به کارگیری روش ها و رهیافت علوم مختلف در تحلیل یک مسئله باعث استمرار الگوی کار و افزایش اثر بخشی بیشتر می شود. یک مسئله، نظام معرفتی نوینی ایجاد می کند و مسلم است که در جهت به حداقل رساندن اشتباهات خود حرکت کند. زیرا هدف علم، معلوم ساختن و هموار کردن امور است .در این راستا توجه به مطالعات میان رشته ای می تواند حتی زمینه ساز همکاری بین حوزه های متعدد علوم انسانی با علوم طبیعی باشد[۲۴].

۲.مکمل سازی و جامع نگری (ایده سیستمی) :

یکی از اهداف مطالعات میان رشته ای در حوزه علوم انسانی مشاهده پدیده ها، مکمل سازی، تداخل، ترکیب و نفی تخصصی گرایی در حیطه های معین است. به این معنا که رشته های تخصصی کم و بیش باید از چند و چون رشته های همسایه خود مطلع باشند تا از نگاه جامع تری برخوردار شوند و در نتیجه از تک بعدی دیدن پدیده ها اجتناب ورزند. در مطالعات میان رشته ای ضمن بهره برداری از دستاوردهای علوم دیگر، باید حریم تخصصی علوم و رشته های دیگر نیز حفظ شود[۲۵].

بررسی پیرامون بحث بین رشته ای، زمینه های ایجاد رهیافتی منظم و سیستماتیک را در فعالیت های پژوهشی فراهم می کند و چگونگی شکل گیری جریان های فکری و روش های تحلیل را در علم ارتقا می بخشد. به عبارت دیگر بررسی اجمالی و جامع جریان های فکری در علم، بیانگر نحوه تأثیر دانش های گوناگون بر یکدیگر و زایش شیوه ای نو در آنهاست. بر خلاف برخی رهیافت های فکری که در یک اندیشه علمی ـ تخصصی و در محدوده معینی رشد و نمو کرده اند، تفکر سیستمی در محیطی بین رشته ای و خارج از محدوده علم معینی متولد می شود. همکاری علم سیاست با اقتصاد، تاریخ و فرهنگ مفید است. تفکر سیستمی ضمن تأکید بر تغییر نگرش مبتنی بر تفکیک علوم به حوزه های تخصصی،به ترکیب یافته های رشته های گوناگون علم نیز توجه دارد .ماهیت پیچیده انسان و عدم توانایی یک رشته معین در شناخت و تبیین تمامی پدیده های انسانی، ضرورت مطالعات چندرشته ای را بیش از هر زمانی روشن می کند. بنابراین استفاده از حوزه های مختلف علمی و تخصصی در فهم پدیده های انسانی می تواند فرایند مشترک کارکرد مختلف گونه های مختلف علوم انسانی و علوم تجربی را شکل دهد که بر سه محور توصیف، تبیین و تشریح و قدرت پیش بینی استوار است. این رویکرد باعث علاقه مندی بیشتر محققین نسبت به بررسی وفهم پدیده ها گردیده است. زیرا گسترش معرفت جدیدی با نام دانش تجربی (ساینس) ، از عصر رنسانس و متأثر از روش استقرایی، افق جدیدی را در تحلیل و فهم پدیده های علوم اجتماعی ایجاد نمود که رهیافت میان رشته ای می تواند به عنوان راهکاری یعنی اصل برنامه پیشگیری و درمان تحویلی نگری مورد استفاده قرار گیرد. البته این امر با حفظ جهان شمولی، ره آوردهای علوم و در عین پذیرفتن مبانی پست مدرنیستی، به ویژه در حوزه زمینه مندی معرفت، کثرت گرایی معرفتی مورد توجه است. در حقیقت ممیز اصلی رهیافت میان رشته ای با دیگر الگوهای مطالعاتی در پژوهش، اثربخشی آن است. به عبارت دیگر، هدف از مطالعات میان رشته ای توجه به اندیشه دیگران در شناخت پدیده هاست[۲۶].

[8] Interdisciplinary

۳.چندتباری بودن دانش:

با توجه به این که هیچ کدام از شاخه های تخصصی و علوم انسانی دانش کامل نیستند و حتی با فرض کامل بودن آن (مانند ادیان الهی)، هیچ اندیشمندی به تمامی زوایای آن احاطه کامل ندارد و نیز از آن جا که انسان موجودی چندبعدی و چندوجهی است، لذا به طور طبیعی، در مطالعه و حل چندتباری بودن مطالعات در علوم انسانی به دلیل برخورداری از عوامل گوناگون و یا به خاطر آثار و نتایج گوناگون آن است که ریشه در زمینه های معرفتی مختلف دارد. به عنوان مثال شورش های اجتماعی پدیده ای است که نیازمند مطالعه میان رشته ای و چندتباری از حیث سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روان شناختی و اعتقادی است. نتایج تحقیقات اندیشمندان نشان می دهندکه کسانی که با رویکرد میان رشته ای به تحلیل مسائل علوم انسانی می پردازند ، از حقیقت آن پدیده بیشتر پرده برداری می کنند[۲۷].

۴.تعهد به وحدت علم بنابر ملاحظات اخلاقی

تعهد به وحدت علم بنابر ملاحظات اخلاقی گرایش به اندیشه وحدت در غالب شاخه های علم سابقه دیرینه دارد. فلاسفه عصر یونان باستان، تجربه گرایان قرن بیستم، و حتی طرفداران نظریه سیستمی، همگی اعتقاد به نظامی واحد در همه علوم دارند و طبیعی ست تحقق چنین امری نیازمند توجه به مطالعات میان رشته ای است. البته این وحدت به معنای اصولی است که بتواند چهارچوب منسجمی برای چندین علم همسایه و نزدیک به هم ایجاد کند. ماهیت (اخلاقی و رفتاری) انسان ایجاب می کند که پژوهشگران به مطالعات میان رشته ای علاقه ی بیشتر نشان دهند. زیرا بازدهی و بهره وری بالاتر کار تحقیقی در مرزهای علوم محقق می شود، در حالی که کار علمی دانشمندان معمولا متمرکز در داخل محدود می ماند .آوردن نوعی پیوند ترکیبی میان عناصر وآموخته های بشر در حوزه های مادی، ادبی، دینی، سیاسی و عرفانی رویکردی مفید و لازم به نظر می رسد[۲۸].

تفکراندیشمندان به نحوه نگاه صاحبان اندیشه است. به عبارت دیگر هدف چگونگی بحث است نه چیستی آن. به عنوان مثال با نحوه نگاه جامعه شناس، روان شناس و دین شناس سر و کار دارد. هدف به چالش کشاندن طرز نگاه و نوع رویکرد دیگران است، نه الزاما نتایج و رهاوردها. رهیافت میان رشته ای متضمن نوعی کثرت گرایی و خاصیت دیالکتیکی برای دستیابی به فرا دیدگاه ها است. رویکردهای متنوع را به چالش می کشد بدون آن که خود طرف دعوا قرار گیرد. چالش را با ضوابطی خاص، با همدلی، فهم زبان رشته ها، با سعه صدر به تسامح می رسد. به عبارت دیگر، روش مطالعات را با تسامح و متعهدانه پیش می برد .میان رشته ای، برنامه ای پویاست و در جهت تولید علم حرکت می کند؛ نظریه ای ست که با استفاده از رشته های مختلف طرح می شود. رهیافت میان رشته ای یک گفتمان مشترک و یک زبان مشترک است. در رهیافت میان رشته ای تحقیق به صورت فردی انجام نمی شود، کارها بر عهده تیم و گروه است. تخصص رشته ای لازم نیست، بلکه آشنایی با مبانی روش های مطالعاتی کفایت می کند. مشارکت همه رشته ها ضرورتا لازم نیست. در واقع دلالت مرکزی رهیافت میان رشته ای عبارت است از توجه و عنایت به اندیشه های دیگر. [۲۹].

۶.بیمه[9]:

در عصر حاضر سازمان ها به صورت فزاینده با محیط های پویا و در حال تغییر مواجه اند و بنابراین به منظور بقا و پویایی خود مجبورند که خود را با تغییرات محیطی سازگار سازند .به بیان دیگر با توجه به رشد فزاینده تغییرات و تحولات علمی،تکنولوژیک،فرهنگی و اجتماعی در عصر حاضر،سازمان هایی موفق تر و کارآمد تر محسوب می شوند که علاوه بر هماهنگی با تحولات جامعه امروزی ،بتوانند مسیر تغییرات و دگرگونی را در آینده پیش بینی کنند و قادر باشند که این تغییرات را در جهت ایجاد تحولات مطلوب برای ساختن آینده ای بهتر هدایت کنند. عمر بیشتر انسان ها در سازمان ها یا در ارتباط با سازمان ها سپری می شود.سازمان ،سیستمی اجتماعی است که حیات و پایداری آن وابسته به وجود پیوند قوی میان اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن است [۳۰].

بیمه قرارداد یا سیاستی است که به فرد برای کاهش بالقوه ضررهای مالی و مشکلات ،از طریق دریافت خسارت از شرکت بیمه در برابر ضرر و زیان وارده کمک می کند.به عقیده لویدز لندن[10]" بیمه راه اصلی کاهش تاثیر مالی وقوع خطر در کسب و کار و فعالیت افراد است ".بیمه بخش بزرگ فعالیت های اقتصادی است که با نرخ حدود ۱۵-۲۰درصد در حال رشد است ،به طوری که بانکداری و خدمات بیمه با هم می توانند حدود ۷ درصد به افزایش ناخالص ملی کشور کمک کنند.به عنوان بخش مهمی از صنعت خدمات نوین ،صنعت بیمه به یکی از بخش هایی با

[9] Insurance
[10] Lenlon

رشد سریع در اقتصاد ملی تبدیل شده است[۳۱].).در تعریفی دیگر از بیمه این چنین بیان می شود : بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازاء پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه ، خسارت وارده بر او را جبران کرده یا وجه معینی بپردازد.متعهد را بیمه گر و طرف تعهد را بیمه گذار ،وجهی را که بیمه گذار به بیمه گر می پردازد حق بیمه و آنچه را که بیمه می شود ،موضوع بیمه می نامند[۳۲].

رقابت در یک صنعت فقط از طریق ارزش آفرینی برای سهامداران و بدون در نظر گرفتن منافع اجتماعی ،به توسعه آن صنعت نمی انجامد ،بلکه در نظر گرفتن مسایل مربوط به تعالی اجتماعی موجب شناسایی روش هایی برای توسعه و رشد صنایع رقابتی می شود و میتواند به افزایش حقیقی سطح رفاه و سعادت جامعه کمک کند .با توجه به ماهیت صنعت بیمه که با پوشش خسارت های برآمده از فعالیت های اقتصادی و توسعه ای جامعه ،موجب حرکت سریع توسعه می شود، می توان ادعا کرد که توان رقابتی شرکت های بیمه ،به خلق ارزش مشترک آنها بستگی دارد [۳۳].

این روزها صنایع خدماتی در توسعه و ساختار اقتصادی کشور اهمیت اساسی دارند و می توانند موجب توسعه روزافزون جامعه شوند؛در این میان جایگاه و اهمیت صنعت بیمه به مثابه صنعتی حمایت کننده انکار ناپذیر است.بیمه با پوشش خسارت های ناشی از فعالیت های اقتصادی و توسعه ای جامعه ،در نقطه بهینه به گونه ای عمل می کند که بیشترین خدمات با کمترین هزینه ارائه می دهد و این عملکرد موجب حرکت سریع توسعه در جامعه می شود.با افزایش شرکت بیمه و با وضعیت متنوع بازار،این صنعت رقابتی شده است؛چرا که تنوع در تعداد شرکت های بیمه سبب کاهش وفاداری مشتریان به شرکت می شود و با کوچکترین نارضایتی از خدمات ،مشتریان به شرکت دیگر روی می آورند[۳۴].از آنجا که به لحاظ نقش انتقال ریسک و جنبه سرمایه گذاری و پس اندازی ،بیمه یکی از سنجه های رفاه عمومی و توسعه فرهنگی در اقشار جامعه محسوب می شود،بهبود عملکرد این صنعت به عنوان بخش خدماتی مهم در دنیا بر سایر بخش های تولیدی و خدماتی تاثیر شگرفی می گذارد. [۳۵].فلسفه وجودی صنعت بیمه درسرتاسر جهان، مشتریان و یا به عبارتی بهتر همان بیمه گذاران هستند .در کشور ما صنعت بیمه عاملی است که به طور مستقیم پاسخگوی نیاز جامعه در تنظیم تعاملات اجتماعی ،تامین امنیت حرفه ای کسب و کارها و فعالیت اقتصادی می باشد.این در حالی است که این صنعت مواجه با نوعی عدم توفیق در انجام بهینه ماموریت خویش در کشور بوده و تا رسیدن به کشورهای پیشرفته فاصله زیادی دارد .عدم اعتماد یا اطمینان و شناخت جامعه از مقوله بیمه از یک سو و ناکارآمدی این صنعت در تامین نیازهای واقعی مشتریان از سوی دیگر،موجب پیدایش شکاف میان مشتریان و موسسات بیمه شده است. دریافت حق بیمه های بالا،عدم آگاهی عمومی نسبت به کارکردهای بیمه ،کافی نبودن تامین های ارائه شده از سوی شرکت بیمه،تحمیل شرایط یک طرفه و ارائه بیمه های سنتی به مردم،وجود آیین نامه ها و قواعد دست و پا گیر ،الزام به رعایت نرخ ثابت و پرهیز از تخفیف بر اساس مصوبه شورای عالی بیمه از جمله چالش هایی هستند که کاهش فروش بیمه ها را در بر داشته اند[۳۶].بیمه نه تنها باعث تسهیل معاملات اقتصادی بی شماری از طریق انتقال ریسک و پرداخت غرامت می شود، بلکه به عنوان یکی از موسسات مالی غیربانکی در اکثر کشورهای جهان نقش مهمی را در توسعه مالی ایفا می کند [۳۷].در دو دهه گذشته فعالیت بازار بیمه ، رشد فزاینده و سریعی را داشته است. بیمه به عنوان یکی از رئوس اصلی نقش موثری بر رشد اقتصادی کشورها دارد.

۷.بیمه میان رشته ای[11] و اهمیت آن مبتنی بر رویکرد بین رشته ای

پیشرفت بشر مدیون دانش بین رشته‌ای است و تلفیق حوزه‌های دانشی در رشته‌هایی نظیر فیزیک و روانشناسی یا ریاضیات و علوم اجتماعی موجب گسترش دانش بین رشته‌ای شده است. با پیشرفت روزافزون علوم انسانی در دهه های اخیر ،حوزه های بین رشته ای از اهمیت ویژه ای برخوردار شدند.فلسفه اصلی ترکیب علوم مختلف،ناکافی بودن زاویه دید یک علم خاص در تفسیر جهان بوده است.از این رو که هر کدام از علوم انسانی بخشی از حقیقت جهان پیرامون ما را نشان می دهد.رسیدن به تفاسیر جامع تر از اهداف محققان علوم مختلف است.یکی از دلایل اهمیت و نکات قابل توجه در حل مسایل امروزی ،نیازمند رویکردهای بین رشته ای ،تفکر سیستمی و مشارکت گسترده ذینفعان است. امروزه علوم بین رشته ای در جایگاه های معتبری قرار دارند و در همه عرصه ها نمود و بروز دارند .یکی از بسترهای مهمی که علوم میان رشته ای می توانند عرض اندام کنند ، پویایی خاصی را به وجود بیاورند و چشم انداز نوینی را تعریف کنند،بحث بیمه ها می باشد چرا که صنعت بیمه هم نهادی است که نیاز مبرم به ایجاد بیمه های میان رشته ای بیش از پیش احساس می شود .اگر بیمه ها بتوانند به تلفیق رویکرد جدید و بنیادینی در این زمینه دست پیدا کنند، می توانند گامی جدی در اعتلای صنعت بیمه و مهم تر از آن مزیت رقابتی در بلندمدت ایجاد کنند. بیمه‌ها با تولید بیمه‌های بین‌رشته‌ای می‌توانند باعث توسعه این صنعت و گامی در جهت جهش اقتصادی بردارند.صنعت بیمه نیازمند تولید محصولات بین

[11] Interdisciplinary insurance

رشته‌ای در حوزه‌های جدیدی نظیر اقتصاد بهداشت، اقتصاد محیط زیست و اقتصاد گردشگری است. این موضوع را به عنوان یکی از ضرورت های اساسی متناسب با بسترهای اجتماعی جامعه می توان تعریف کرد. بیمه‌ها می توانند با تلفیق ریسک‌های بیمه‌ای با یکدیگر، بیمه‌های بین رشته‌ای تولید کنند و باعث توسعه این صنعت شوند.

اگر بخواهیم در حالت کلی از منظر رویکردهای میان رشته ای به بحث بیمه ها بنگریم، می توانیم در مقوله بندی زیر آنها را قرار داد: ۱.طراحی فنی بیمه ها و ایجاد بیمه های جدید و میان رشته ای .۲.رویکرد نظری و کاربردی نسبت به بحث های میان رشته ای که می توان از طریق علوم میان رشته ای، پیوندی مناسب با بیمه برقرار کرد مثل بحث حقوق محیط زیست که می توان تحت عنوان بیمه های بین رشته ای از آن یاد کرد.

بنابراین، مطالعه بیمه های میان رشته ای اینک به عنوان ابزاری برای بهتر اندیشیدن و بهتر تصمیم گرفتن برای حل مسایل در صنعت بیمه می توانند مورد پذیرش قرار بگیرند .برای رشد، توسعه و بالندگی بیمه های میان رشته ای بیش از پیش مورد توجه سیاستگذاران ، دولتمردان و نیز اصحاب این علوم قرار گیرند. بیمه های میان رشته ای با پرورش تفکر انتقادی، نوآوری و خلاقیت به حل مسئله کمک می کنند. علوم میان رشته ای به مباحثی از علم روز اطلاق می شود که با نگاهی تلفیقی و با کاربرد علوم در کنار یکدیگر به یافته های جدیدی دست می یابند که در این میان، سرعت تولید علم را به نحو چشم گیری فزونی می بخشند. یکی از ضرورت های مهم و اساسی در دنیای پیچیدهٔ امروز، نگاه جامع به بحث بیمه های بین رشته ای است تا از این رویکرد صنعت بیمه بتواند در جهت اعتلا،پیشرفت بهره مند گردد.می توان با طراحی و عملیاتی کردن این نوع بیمه ها ،گامی جدی و قابل توجه در تغییر نگرش جامعه و صنعت نسبت به بحث های بیمه های میان رشته ای برداشت و باب جدیدی را برای مزیت رقابتی بین شرکت های بیمه ای ایجاد کرد .

۸.نتیجه گیری:

علوم میان رشته ای به مباحثی از علم روز اطلاق می شود که با نگاهی تلفیقی و با کاربرد علوم در کنار یکدیگر به یافته های جدیدی دست می یابد که در این میان، سرعت تولید علم را به نحو چشم گیری فزونی می بخشد. در جوامع امروزی، دانش در چارچوب تخصص گرایی به دام افتاده است، به طوری که اثر کلی در تخصص گرایی ، مجزا کردن دانش به ساختارهای مصنوعی و رشته های خاص به چشم می خورد. با این اوضاع، ثمرهٔ چنین فرایندی این است که هدف آموزش عالی تا حد زیادی به کسب محتوای موضوعی کم دامنه منحرف و از اهمیت اساسی آن کاسته می شود که بر مبنای روابط میان رشته ای، باید آموزش عالی در چارچوبی متعادل تر (نه تخصص گرایی صرف و نه کلی گویی) نگریسته شود. یکی از ضرورت ها ی آموزش عالی در دنیای پیچیدهٔ امروز، نیاز به دیدگاه های جامع برای حل مسائل جامعه است. بسط مطالعات بین رشته ای علاوه براینکه موجب انسجام محیط دانشگاهی، پویایی نظام آموزشی دانشگاه ها و در نتیجه، رشد و اصلاح فرهنگ می شود، امکان ازبین بردن فاصله و فضای خالی بین علوم و رفع نیازهای جامعه را نیز به دنبال دارد. بدیهی است با سازماندهی و اجرای چنین طرح جامع، فراگیر و اثرگذاری، گامی مؤثر در جهت توسعهٔ علمی و کاربردی علوم در ایران برداشته خواهد شد، چراکه با تدوین برنامه های میان رشته ای، افراد قادر خواهند بود شکاف های روش شناختی و نظری بین رشته ها را پر کنند و با تحقیقات مشترک و همکاری بین متخصصان علوم مختلف، بستری فراهم خواهد شدکه روحیهٔ همکاری تقویت می شود و نتایج قابل اعتماد تری در عرصهٔ علم به دست می آید. در این راستا، کریشنا بر این عقیده است که پژوهش های چندرشته ای، آشکارا، توسعه ای تازه به حساب می آید که با ایجاد آن می توان «اجتماعات پیوندی» میان دانشمندان و محققان به وجود آورد. از بین رویکردهای میان رشته ای، رویکرد تلفیقی در پی این است که با ارائهٔ سازماندهی خاصی ، فرصت هایی را فراهم سازد تا آن ها با اصول، مبانی، روش ها آشنا شوند. البته این به معنای نفی محاسن و فواید موضوعات متنوع در قلمروهای متعد نظام های رشته ای نیست. چراکه رویکرد رشته ای به علت برخورداری از آگاهی، سازمان دهی و داشتن چارچوبی از حقیقت از طریق مفاهیم و الگوهای مربوط و رشد تدریجی و منطبق بر مسیر تعریف شده، اثر اطمینان بخشی بر یادگیرنده دارد.

یکی از بسترهای مهمی که علوم میان رشته ای می توانند عرض اندام کنند ، پویایی خاصی را به وجود بیاورند و چشم انداز نوینی را تعریف کنند،بحث بیمه ها می باشد چرا که صنعت بیمه هم نهادی است که نیاز مبرم به ایجاد بیمه های میان رشته ای بیش از پیش احساس می شود .اگر بیمه ها بتوانند به تلفیق رویکرد جدید و بنیادینی در این زمینه دست پیدا کنند، می توانند گامی جدی در اعتلای صنعت بیمه و مهم تر از آن مزیت رقابتی در بلندمدت ایجاد کنند. بیمه‌ها با تولید بیمه‌های بین‌رشته‌ای می‌توانند باعث توسعه این صنعت و گامی در جهت جهش اقتصادی بردارند.صنعت بیمه نیازمند تولید محصولات بین رشته‌ای در حوزه‌های جدیدی نظیر اقتصاد بهداشت، اقتصاد محیط زیست و اقتصاد گردشگری است. این موضوع را به عنوان یکی از ضرورت های اساسی متناسب با بسترهای اجتماعی جامعه می توان تعریف کرد. بیمه‌ها می توانند با تلفیق ریسک‌های بیمه‌ای با یکدیگر، بیمه‌های بین رشته‌ای تولید کنند و باعث توسعه این صنعت شوند.

منابع:

[1]Palmer, Carole L. (2001), Work at the Boundaries of Science: Information and the Interdisciplinary Research Process, Boston: Kluwer Academic

[۲]خنجرخانی،ذبیح الله،بختیار نصرآبادی،حسنعلی، ابراهیمی دینانی،آرزو، ۱۳۸۸ ،درآمدی بر ضرورت، جایگاه و انواع مطالعات میان رشته ای،**فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**، دوره دوم،شماره ۱ ، ۱۶۷- ۱۸۶.

[۳]ابراهیمی،مرتضی،۱۳۹۳،بررسی ضرورت های مطالعات میان رشته ای در حوزه علوم انسانی ،**فصلنامه مطالعات میان رشته ای**، دوره ششم، شماره۲، ۱۹-۳۲.

[4]Turner, B. S. (2006), "Discipline", Theory, Culture and Society, NO. 23 (2-3), PP. 183-186

[5]Adams, Sheila Anne. (1979), Effectiveness of University Interdisciplinary Research Centers

[۶]قاسمی،علی اصغر،امامی میبدی،راضیه،۱۳۹۴،نقش و جایگاه مطالعات میان رشته ای در رشد و توسعه علوم انسانی در کشور ،**فصلنامه مطالعات میان رشته ای**، دوره هفتم،شماره۴، ۱-۱۹.

[۷]داورپناه،محمدرضا،۱۳۸۳، روابط میان رشته ای در علوم انسانی ،**مطالعات تربیتی و روان شناسی** ،شماره ۵.

[۸]ملکی،حسن،۱۳۸۲،**رویکرد تلفیقی برنامه درسی** ،تهران ، انجمن اولیا و مربیان.

[۹]کلاین،جولی تامپسون ۱۳۸۷،**میان رشتگی و ترکیب رشته ها** (مترجم محسن بیات) در: **مبانی نظری و روش شناسی مطالعات میان رشته ای** (تدوین و ترجمه سید محسن علوی پور و همکاران)، تهران:پژوهشکده مطالعات اجتماعی فرهنگی.

[۱۰]خرسندی،علی،۱۳۸۸ ،تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته ای، **فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**، سال اول،شماره۴، ۵۷- ۸۳.

[11]Bird, Elizabeth. (2001), "Desciplining the interdisciplinary: radicalism and the academic curriculum", British Journal of Sociology of Education, No. 22, pp. 463-478

[۱۲]فتاحی،شهرام،۱۳۹۷گل خندان،ابوالقاسم،ابطه جهانی شدن و بیمه های زندگی و غیرزندگی: مطالعه با استفاده از رهیافت علیت گرنجری پانلی D8کشورهای گروه مبتنی بر بوت استراپ ،**فصلنامه پژوهش های اقتصادی**، سال هجدهم،شماره۶۹، ۱۶۳-۱۹۱.

[13]Dennis F. Brown. (2005), "Interdisciplinary collaboration and academic work: a case study of a university-communiy partnership", New Directions for Teaching and Learning, No. 102, pp. 23-3

[14]Tennyson, A. (2012).Interdisciplinary learning and interdisciplinary curriculum In Jim parson and Larry beauchamp, From knowledge to action, Alberta education. Alberta, Canada

[15]Lynch, J. (2006). It’s not easy being interdisciplinary. International Journal of Epidemiology, 35, 1119–1122

[16] Augsburg, Tanya. (2006), Becoming Interdisciplinary: An Introduction to Interdisciplinary Studies, Kendall/Hunt, 2nd Edition

[۱۷]مهر محمدی ،محمود ،۱۳۸۱ ،**برنامه درسی،نظرگاه ها ،رویکردها و چشم اندازها**،تهران،آستان قدس رضوی.

[18] Winebeurg, Sam and Pam Grossman (Eds.). (2000), Interdisciplinary Curriculum: Challenges to Implementation, New York: Teachers College.

[19] Sill, David J. (2001), "Integrative thinking, synthesis, and creativity in interdisciplinary studies", The Journal of General Education, No. 50, pp. 288-311

[20] Moran, Joe. (2001), Interdisciplinarity, London: Routledge

[21] Gasper, D. (2001), Interdisciplinarity: Building Bridges and Murturing a Complex Ecology of Ideas, Institute of Social Studies, The Hague, Netherlands

[22] Killeen, Timothy L. (2001),"Mentoring interdisciplinary undergraduate courses", New Directions for Teaching and Learning, No. 85, pp. 95-108.

[۲۳]افتخاری،علی،۱۳۸۸ ،علوم بین رشته ای در آموزش عالی،**فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی**، سال اول،شماره۲ ، ۶۵-۸۳.

[24] Bal, Mieke and Sherry Marx-MacDonald. (2002), Travelling Concepts in the Humanities: a Rough Guide, Toronto: University of Toronto

[۲۵]برزویی،محمد،۱۳۸۸، موانع و مشکلات اجرایی توسعه رشته های میان رشته ای ،**دوماهنامه فارابی**،شماره۶ ،۵۶-۵۷.

[26] Lewis, G. & Sharon, G. & John. Clarke. (2000). Rethinking Social Policy, Sage.

[۲۷]خلخالی، محمد،۱۳۷۳ ،در هم تنیدگی برنامه های درسی ، **فصلنامۀ پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**،شماره۲.

[۲۸]رونالد،اس،۱۳۸۷،**میان رشتگی** (مترجم مجید کرمی) **در مبانی نظری و روش شناسی مطالعات میان رشته ای**(تدوین و ترجمه سید محسن علوی پور و همکاران)،تهران،پژوهشکده مطاعلت فرهنگی – اجتماعی.

[29] While, Alvin (Ed.). (1981), Interdisciplinary Teaching, New Directions for Teaching and Learning Series, No. 8, San Francisco, CA: Jossey Bass.

[۳۰]مویدفر،رزیتا،اکبری ،نعمت الله ،محمود زاده،محبوبه(۱۳۹۶)،تاثیر سرمایه اجتماعی بر وضعیت حضور کار افرینان شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان در فعالیت های اقتصادی ،**جامعه شناسی کاربردی**،سال۲۸،شماره پیاپی۶۶شماره دوم شماره۲، ۱۱۶-۱۲۷.

[31] Lenka, U, Suar, D, & Mohapatra, PKJ (2009), 'Service quality, customersatisfaction, and customer loyalty in Indian commercial banks', Journal ofEntrepreneurship, vol.18, pp. 47-64.

[۳۲]امینی،سعید،امینی،وحید،طاهری،حسین،احتشام راثی،رضا(۱۳۹۷)،بررسی رابطه میان تبلیغات رسانه ها و پاسخ های هیجانی مشتریان در فروش محصولات بیمه ای،**دو فصلنامه مطالعات مصرف کننده** ،دوره پنجم، شماره ۲، ۱۱۱-۱۳۴.

[۳۳]اسماعیل پور،رضا،قاسم نژاد،میثم(۱۳۹۷)، توسعه الگوی بازاریابی اجتماعی برای شرکت های بیمه ،**مدیریت بازرگانی**،دوره ۱۰، شماره۱، ۳۱-۴۸.

[۳۴]خانلری ،امین،دعایی اسکویی ،مهشادالسادات(۱۳۹۴)، عوامل موثر بر تمایل به بازگشت مشتریان از دست رفته در شرکت های بیمه ،**مدیریت بازرگانی**،دوره ۷ ، شماره۲، ۴۰۷-۴۲۶.

[۳۵]عابدی،احسان،جمالو،فاطمه(۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر هویت برند سازمانی و تاثیر آن بر عملکرد برند و رضایت کارکنان بیمه البرز مطالعه موردی کارکنان استان تهران ،**مدیریت بازرگانی**،دوره ۹، شماره۳، ۶۱۷-۶۴۰.

[۳۶]رحمان سرشت،حسین،رودانی،امین(۱۳۸۹)،انگیز ش های موثر برانتخاب برندها در صنعت بیمه،**فصلنامه صنعت بیمه**،سال۲۵ شماره۲، ۳-۲۵.

[37]Lee, C.C. and C.P. Chang (2012), "Globalization and Convergence of International Life Insurance Markets", The Geneva Papers, 37: 125–154